

## بیانیه «چه باید کرد؟»

بسم الله الرحمن الرحيم

قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله...<sup>۱</sup>

مدتهاست که عده کثیری از هموطنان ما سرخورده از انقلاب و سرگردان در زندگی شده‌اند. مردم زیادی به دلایل مختلف اقتصادی، اداری، اجتماعی، سیاسی و دینی از اوضاع حاکم ناراضی و ناراحت‌اند. اعم از تحصیلکرده و اداری، مرفه شهری و طبقات به اصطلاح مستضعف کاسب و کارگر و کشاورز. ناراضی از اینکه مشتاق آزادی و آبادی و منتظر استقلال و خودکفائی، همراه با امنیت و عدالت و به طور کلی اوضاعی بهتر از گذشته بودند، ولی ناظر جدائی و جنگ و اختناق گشته‌اند که خلاصه‌اش خون و خرابی و گرانی است. تا آنجا که صدایشان آشکار و بی‌پروا درآمده است. نومیدانه و نگران از خود و از ما می‌پرسند ادامه این اوضاع و سیر به قهقرا تا کی و به کجا خواهد بود؟ طراح مسئول و مقصر این اوضاع کیست؟ سرانجام وضع کشور چه خواهد شد؟...

### چه باید کرد؟

توجه بدین واقعیت‌ها و نگرانی‌ها ما را بر آن داشت که در تاریخ ۶۲/۵/۱۰ در نامه‌ای خصوصی به امام بنویسیم که مهمترین مصیبت جامعه ما، بعد از پیروزی انقلاب و تحولات آن، نگرانی و ناامیدی افراد کثیری از مردم است، بطوریکه به هر کس می‌رسیم ابتدای صحبت یا در موقع خداحافظی غالباً جمله‌های «چه خبر است و چه می‌شود یا چه باید کرد» را به زبان می‌آورد. از مقام رهبری خواستیم در این‌باره چاره‌ای بیندیشند. متأسفانه تذکر و تمنای ما با عنایت و پاسخی روبه‌رو نگشت. امروز هم مهمترین سوالی که ما و شما و همه مردم با آن روبه‌رو هستیم این است که برای نجات مملکت و انقلاب و جمهوری اسلامی چه باید کرد؟

در جواب این سوال و بررسی علل و عوامل مشکلات موجود، ما به‌عنوان جزئی از مردم و بدون آنکه فرد یا گروهی را عامل اصلی و مقصر واقعی بشناسیم یا خود را تبرئه کنیم باید اعتراف نمائیم که علیرغم جانبازی‌ها و فداکاری‌هایی که ملت ایران با وحدت و قدرت، از روی صداقت و صمیمیت، به خرج داده و نتیجتاً در انقلاب درخشان اخیر پیروز شد پس از کسب پیروزی مرتکب اشتباهی بزرگ گردید. مردم تصور کردند که کارهای دنیا با یک حرکت تمام می‌شود و پس از انجام این حرکت می‌توان راحت نشست. بقیه عمر از ثمرات آن بهره‌مند شد. بنابراین وقتی از ناحیه بعضی اقلیت‌های پرجوش و خروش و افراطی حقوق ملت تدریجاً مورد تجاوز قرار گرفت یا امور مملکت و انقلاب در جهتی غیر از آنچه قرار بود جریان یافت اعتراض و حرکتی نکردند و این حقیقت را نادیده گرفتند که آزادی و استقلال و حاکمیت ملی و ارزش‌های دیگر انقلاب نعمت‌های کم‌بهای بی‌مدعی و خالی از گرفتاری نیستند که از دستبرد مصون بمانند،

۱. سبأ ۴۶/۴۵- بگو من فقط شما را به یک چیز دعوت می‌کنم و آن قیام برای خدا است...

بلکه دست آوردهای گرانبهائی می‌باشند که لازم است مانند هر ناموس و متاع و مکتسب انسان، محکم و مستمر از آنها حفاظت و به خاطر آنها تلاش و جهاد نمود و نمی‌شود آنها را بی‌حساب و دربست به دست دیگران، ولو دوست و خودی، سپرد. البته انحصار و اختناق یا استبداد دینی طوری شدت یافت که برای گروه‌ها و افراد ملت مشکل بود قیام برای اصلاح و اقدام و حتی اعتراض و اظهاری برای تحقق وعده‌ها و ایفای عهد و بیعت‌ها بنمایند. انتظار و سکوت را بر استقبال از دردسر و خطر ترجیح دادند.

### خروج از بن‌بست

در هر حال برای خروج مملکت و انقلاب از بن‌بست حاضر و از آینده وحشتناک فکری و عملی لازم است. صرف نظر از آنهائیکه وضع موجود را مطلوب و خالی از عیب و خطر می‌بینند و تعدادشان رو به نقصان است، راه‌حلهائی که از طرف سایرین عنوان می‌شود متفاوت و متفرق بوده گاهی متضاد و مخرب هم می‌باشد. عمل صالح در این شرایط چیست؟

آیا دست روی دست گذاشتن و سکوت کردن، نق زدن و بد گفتن یا در انتظار مرگ تدریجی و فرج غیبی نشستن، می‌تواند راه‌حل انتخابی ملت زنده و آگاه باشد؟...

آیا می‌توان تکان خوردن و حرکتی اسلامی و ملی کردن را، به دلیل اینکه یک بار به نتیجه کامل نرسیده و در مواردی همراه با ریا و فریب بوده، پیشاپیش بی‌فایده دانسته و محکوم ساخت؟...

آیا می‌توان به بهانه اینکه بعضی‌ها ایراد می‌گیرند که انتقادات، اصلاحات، درخواست‌ها و دخالت‌ها، به نظام حاکم مشروعیت می‌دهد، سرنوشت کشور را رها کرد و با قبول اینکه هرگونه اقدام، بی‌اثر و باعث ضرر می‌باشد از هر اقدامی پرهیز نمود؟...

آیا گمان می‌کنید که اگر بگذاریم همه راه‌ها بسته و کارها بدتر از بد شود، خطاها و خسارت‌ها، خطاکاران را رسواتر کرده خود به خود ساقط خواهند شد. و با برکناری آنان میدان برای اهل صلاح و صلاحیت باز شده اوضاع سر و سامان خواهد یافت؟ آیا آینده روز به روز وخیم‌تر و خطر آشفتگی و کشتار و گره‌خوردگی بیشتر نخواهد شد؟...

آیا می‌توان در انتظار و استقبال گروه‌های پناه به خارج برده و بعضاً متکی به خارجیان نشست تا با یک کودتا همه چیز را واژگون نموده نظامی مطلوب و مناسب برپا سازند و دو دستی تقدیم ملت کنند؟...

آیا می‌توان در انفجار و ترور و تعرض و به خاک و خون کشیدن ملت و مملکت و سرنگون ساختن نظام جمهوری اسلامی و بازگشت ارتجاعی به نظام شاهنشاهی، سازش با دشمنان و تشدید خون و خرابی یا جنگ‌های انتقامی داخلی، نجات و سعادت مردم را جستجو نمود؟...

آیا می‌توان در انتظار فرج و قیام قائم منتظر نشسته و به امید نجات از جانب خدا و ظهور معجزآسای رهبر مصلح جهانی، مطمئن به آینده چشم دوخته و در حال حاضر از هرگونه چاره‌جویی، برنامه‌ریزی و اقدام خودداری کرد؟...

### جواب‌ها

جواب راه‌حل آخری، از ناحیه خدا - و پیامبران - خیلی فوری و روشن داده و گفته شده است که «الا

تزر و وزره وزرا اخری و ان لیس للانسان الا ما سعی». بار کسی را جز خود آن کس به دوش نمی‌گیرد و بهره‌ای و چاره‌ای برای انسان جز با کوشش و تلاش شخص او میسر نیست. قرآن بدون رودربایستی و تعارف راه اصلاح خرابی‌ها و جلوگیری از فشار و فساد در زمین را ایستادگی و دفاع از خود در برابر ستمگران می‌داند و می‌فرماید:

و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض<sup>۱</sup>

به ثمر رساندن انقلاب و برگردان کشورمان به نظام مصوب مطلوب و وظیفه‌ای است ملی، اسلامی و همگانی. اگر ملت ایران از حالت یأس و سستی و عصبانیت حاضر بیرون نیامده وارد صحنه نشود و برای اصلاح وضع قیامی به قسط و به حق نکند هیچ عامل و مقام دیگر مملکت و انقلاب را نجات نخواهد داد و دین و دنیا را به ما برنخواهد گرداند. هر عملی که دیگران انجام دهند مسلماً به سود خودشان و به هزینه و زیان ما خواهد بود.

بدیهی است که دعوت ما قیام نه برای براندازی و نزاع و کشتار بلکه قیامی است برای استیفای حقوق به دست نیامده و تحقق همه جانبه آرمان‌های انقلاب، یعنی آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی. قیامی است به قسط و عدالت در دفاع از حقوق انسانی و اسلامی تصریح شده در قانون اساسی، که یک میثاق همگانی است.

#### اما سایر راه‌حل‌ها

از کجا معلوم است که با دست روی دست گذاشتن و رها کردن کارها به سرنوشت و تقدیر، کارها بهتر شود و امور در جهت بهبودی و نظم پیش رفته قدرتمندان به حقوق ملت تمکین نمایند؟  
یأس از حرکت و عمل و تصور اینکه هرچه در این مملکت شده است و می‌شود در کشف و کاوش نهائی چیزی جز خواسته و ساخته سیاست‌های خارجی و قالب‌زده‌های وارداتی نیست، مولود روحیه و فرهنگی است که در دوران قاجاریه و پهلوی میان ما رائج شده است. مرحوم دکتر مصدق با ملی کردن نفت و بیرون انداختن (کلی یا نسبی) انگلیسی‌ها با این فرهنگ به مقابله پرداخته و برای ملت ایران اعاده حیثیت و ایجاد شخصیت نمود. راه درخشانی برای مبارزه و قیام ملی گشود که سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ منتهی گشت. اما متأسفانه اتهامات ناجوانمردانه و افشاگری‌های جاهلان‌های که بعد از پیروزی انقلاب علیه خدمتگزاران اصیل متداول شد و تبلیغ این پندار که عامل موثر و فعال مایشاء پیش‌آمدهای ناگوار، ابرقدرت‌ها و دشمنان اسلام بوده و خطاها و ندانم‌کاری‌های ما نیز محصول توطئه‌های شیطانی آنان است، باعث بدبینی عمومی نسبت به حرکت و فرار از اقدام گردید و موجب بازگشت به فرهنگ منحط و دشمن‌پسند استعفای از ملیت و شخصیت شده خیانت عظیمی به ملت و انقلاب روی داد. امروزه مردم چنان از مبارزه و انقلاب دلسرد شده‌اند که با تردید و اکراه حاضر به حرکت و فداکاری می‌شوند و ترجیح می‌دهند یا لااقل اهمیت نمی‌دهند که جریان‌ها به نحو دلخواه بیگانگان یا خطاکاران و فریبندگان پیش برود.

۱. بقره ۲۵۱/۲۵۲- و اگر چنین نبود که خداوند به وسیله مردم دفع مردم را بنماید هر آینه زمین (و کشورها) فاسد می‌شد.

گروه‌های مستقر در خارج نیز اگر در مسیر هدایت و خدمت بودند به جای نفی و نزاع با یکدیگر به فکر کمک به هموطنان آواره خود می‌افتادند و هیچیک به ریسمان حمایت بیگانگان متمایل نمی‌شدند. راه‌حل انفجار و ترور و توحش یا خشونت و دامن زدن به جنگ داخلی و خارجی نیز دور و تسلسل مرگ‌زائی است که به لبنانی کردن ایران و به خاک سیاه نشانیدن بیشتر ملک و ملت خواهد انجامید... ضمناً این را هم بدانیم که نه تقصیر خبط و خرابی‌ها و ظلم‌ها به گردن انقلاب و جمهوری اسلامی است و نه عقب‌گرد به تجربه گذشته اوضاع را بهتر خواهد کرد. سهل است که بدتر از بد خواهد شد.

### راه‌حل معقول و مشروع و موثر

هیچیک از عکس‌العمل‌ها و راه‌حل‌های فوق در تجزیه و تحلیل نهائی نه چاره‌ساز گرفتاری‌ها می‌تواند باشد و نه آنطور که اینها عنوان می‌نمایند نجات‌دهنده مستضعفین جهان و صادرکننده اسلام خواهد بود. اصولاً تا زمانی که راه‌های قانونی مشروع و مسالمت‌آمیز آزمایش جدی نشده، نتیجه نداده و اتمام حجت به عمل نیامده است نباید راه‌های دیگری را برگزید. بر پایه این اعتقاد است که نهضت آزادی ایران همواره در چهارچوب قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی فعالیت نموده و اینک نیز برای تحقق آرمان‌های انقلاب تنها بر کوشش و تلاش در این محدوده اصرار دارد. به عقیده ما هنوز هم فرصت برای راه قانونی انسانی و اسلامی از طریق یک قیام همگانی برای استیفای حقوق حقه ملت و ایستادگی متوکلاانه در برابر قانون‌شکنی‌ها و ناهنجاری‌ها و عبرت‌اندوزی، با توبه از گذشته و تصمیم به ایثار و احسان باقی است:

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین<sup>۱</sup>

### پاسخ نهضت

نهضت آزادی ایران در مردادماه ۱۳۶۲ یک بار به پرسش «چه باید کرد» پاسخ داد. در آن هنگام دبیرکل نهضت در یک نطق قبل از دستور مجلس مسئله انتخابات و آزادی آن را مطرح کرد، مجلس شورای اسلامی و انتخابات آزادی که نمایندگان منتخب خود ملت و مدافع مردم را وارد مجلس بسازد کلید مشکل‌گشای مسائل و دردها دانست. نهضت با طرح این مسئله نه انتظار کودتا و امید و اتکائی به امریکا داشت یا به سوی شوروی و انگلیس و دیگر خارجی‌ها خم شده بود و نه به برگشت ارتجاعی لاعلاجی به سلطنت شاهنشاهی، که برخی از روی لجبازی آرزو می‌کنند، اعتقاد داشت. درد و دوا را به فرموده امامان علی (ع) در خود مردم و ملت سراغ می‌گرفت و از رحمت خدا و وعده او مأیوس نبود.

نظر آنروز - و امروز ما - این بود که وجود مجلس مسئول، مسلط، مستقل و مشروع که محصول انتخابات آزاد و آگاهانه قاطبه ملت باشد، و حتی حضور یک اقلیت متعهد مصمم، جلوی قسمت اعظم خرابی‌ها و نابسامانی‌ها را خواهد گرفت، همکاری صادقانه ملت و دولت و ایثار و شکوفائی را به بهترین وجه تامین خواهد نمود و انقلاب را در جهت عدالت و رحمت و در خط آزادی و استقلال و سازندگی و

۱. عنکبوت، ۶۹- و آنانکه در راه ما کوشش می‌کنند هر آینه راه‌های خویش را به آنها مینمایانیم و خدا با نیکوکاران است.

فزاینده‌گی، آنطور که در روز اول همه می‌خواستند، خواهد انداخت. در نتیجه ایرانیان در راه خدا و سعادت دو دنیا پیش‌رفته نمونه و سرمشق خواهند شد و آئین پاک اسلام در داخل و خارج مورد استقبال و اشتیاق قرار خواهد گرفت.

### مقامات و مردم چه کردند؟

در برابر این هشدار و درخواست ما مقامات و متصدیان جمهوری اسلامی پس از طعنه‌ها و تهمت‌ها و با تردید و تفرقه‌ها، تا نصف راه جلو آمدند. یک انتخابات نیمه آزاد (از این جهت که انتخاب‌کنندگان در انتخاب میان نامزدهای موافق حاکمیت آزاد بودند) که برای حاکمیت بی‌آزار و برای حل مسائل کشور بی‌ارزش و بی‌اثر بود، آنطور که در شش بیانیه تشریح کرده‌ایم، صورت گرفت. ولی با آنکه نهضت سپر بلا گردیده خطرات و صدماتی را به جان خرید، شما مردم آزاده و دردمند و معترض، اعم از اداری و بازاری، روشنفکر و کارگر یا کشاورز و خانه‌دار، به دلیل یأس، ترس و احیاناً مقاومت منفی، عملی انجام ندادید و هم آواز و همگام نشدید. ترس داشتید یا یأس. معدودی نیز مقاومت منفی را ترجیح دادند. نتیجه‌اش را هم دیدید و می‌بینید. مجلسی داریم که در حقیقت به بازی گرفته نمی‌شود و رفته رفته شبیه به مجالس دوران گذشته می‌گردد. حل مسائل مهم کشور اعم از جنگ و صلح و ارزیابی عملکرد دولت، سیاست خارجی و امنیت داخلی، مدیریت، آزادی، مشکلات قضائی و عدالت اجتماعی از بالاسر یا از پشت‌سر مجلس می‌گذرد و چند نفری تصمیم‌گیرندگان آن می‌باشند، علیرغم کلیه ادعاها، نه مردم در سرنوشت خود دخالت دارند و نه کسی فریادرسی پیدا می‌کند...

### فرصت آینده

حال اگر راه‌حل مورد نظر، یعنی مبارزه قانونی و انسانی و استفاده از کلیه فرصت‌ها پذیرفته شده باشد این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید آن را انجام داد؟  
خوشبختانه انتخابات دیگری در پیش است که مجدداً فرصت و مسئولیتی خواهد بود تا ملت برای ایفای وظیفه الهی امانتداری و اجتماعی به صحنه بیاید و ابراز وجود و اعمال اراده و حقوق کند. موعد انتخابات ریاست جمهوری به زودی فرا می‌رسد. درست است که رئیس‌جمهور بر طبق قانون اساسی مصوب ملت مسئولیت اجرائی و حق دخالت مستقیم در امور کشور را ندارد و به تنهایی برای سوق دادن قطعی ملت و دولت در طریق مطلوب و انجام وعده‌های داده شده کافی نیست ولی به دلیل ریاست عالی که بر طبق اصول ۵۷، ۱۱۳ و ۱۲۱ قانون اساسی بر قوای سه‌گانه کشور داشته ارتباط‌دهنده و هم‌آهنگ‌کننده آنها و متعهد اجرای قانون اساسی بوده پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی می‌باشد و سوگند می‌خورد که از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کند. رئیس‌جمهور مقامی است عملاً موثر و قانوناً مسئول. مهمتر آنکه انتخاب او - به فرض که با انتخابات آزاد واقعی صحیح انجام گردد - در حکم تصویب مرام و برنامه‌های او و فراندومی خواهد بود که بدان وسیله نظر قطعی ملت و قضاوت نهائی اکثریت درباره جریان‌های حاکم و تغییراتی که باید صورت گیرد، روشن می‌گردد. چنین انتخابی در واقع خط‌دهنده و دستورالعمل برای اعمال افراد و تا حدودی سرنوشت‌ساز

مملکت خواهد بود. فراموش نکنیم که بعد از رفراندوم جمهوری اسلامی و قانون اساسی ملت ایران دیگر به طور آزاد و طبیعی مانند آن دو آراء عمومی به پای صندوق‌ها نرفته و نظرش را نسبت به تجربه انقلاب و عملکرد متولیان نداده است.

### ایرادی که می‌گیرند و اشکالی که می‌بینند

بعضی‌ها ایراد می‌گیرند که شرکت در انتخابات و معرفی کاندیدا نه تنها فایده ندارد بلکه ضرر هم می‌رساند. زیرا که اولاً حاکمیت نخواهد گذاشت فعالیت انتخاباتی به صورت آزاد و وسیع صورت گیرد و علاوه بر به کار بردن حربه تبلیغاتی نیرومند انحصاری خود، با آزاد گذاشتن و احتمالاً تحریک عوامل و کارشکنی‌ها راهی برای موفقیت نخواهد ماند. ثانیاً صندوق‌ها و شمارش آراء دست خود آنها بوده نتایج را آنطور که تصمیم گرفته‌اند اعلام خواهند کرد. شرکت در چنین انتخاباتی هم به انتخابات مخدوش صورت مردمی داده آن را مشروع جلوه خواهد داد و هم مخالفین حاکمیت را فاقد پشتیبان و آبرو قلمداد خواهد نمود...

این استدلال اگرچه می‌تواند، برای افرادی که حاضر به قبول درد سر برای نجات خود و خدمت به کشور نیستند، بهانه خوبی باشد ولی بر پایه پندارهائی نادرست بنا شده است زیرا مجموعه حاکمیت را بدتر از آنچه هست می‌بینند، در حالیکه روی حسن نیت یا مصلحت‌اندیشی، نشانه‌هایی از تمایل به بازگشت به قانون در میانشان دیده می‌شود. از طرف دیگر ملت را نیز کمتر از آنچه هست انگاشته ناتوان و ناامید می‌انگارند و اثر اراده و اتحاد ملت و یاری خدا را فراموش می‌کنند. امروزه در ملت نشانه‌هایی از رسیدن به نقطه انفجار مشاهده می‌گردد و اگر مردم تصمیم و همت به خرج دهند به خوبی می‌توانند پای صندوق‌ها مستحفظ بگذارند و با مراقبت از اخذ و قرائت آراء مانع تخطی‌ها و تجاوزها شده آزادی انتخابات و حقوق الهی و قانونی خود را تأمین کنند. متصدیان امور نیز دیگر فهمیده‌اند که هرگونه قانون‌شکنی و اخلال در کار انتخابات یا ارباب و ترور مخالفین به پای خودشان نوشته می‌شود و به زیانشان تمام خواهد شد. برخی از دست‌اندرکاران می‌دانند که مصلحت شخصی و گروهی آنها نیز ایجاب می‌نماید که در تسلط و تحمیل خود پافشاری نکنند زیرا که موجب شدت انزجارها و خطرات هلاکت‌بار می‌گردد. به علاوه تجربه نشان داده است که کشاکش انتخابات موضع ملت را در هر حال محکم‌تر و آنان را آگاه‌تر، مصمم‌تر و متشکل‌تر خواهد کرد.

اصولاً دولتیان نمی‌توانند نسبت به آزاد گذاشتن مردم و کاندیداها و مساوات در انتخابات رئیس‌جمهوری ایرادی داشته باشند و صلاح و صرفه‌شان نیست که در این امر مخالفت یا ممانعت کنند. آنها چون معتقد یا مدعی هستند که اکثریت عظیم ملت ایران طرفدارشان می‌باشد، ناچارند از آزاد گذاشتن انتخابات برای عموم، استقبال نمایند و الا به بی‌اساس بودن ادعا و ضعف خود و اعراض مردم اقرار کرده‌اند. در هر صورت آزادی واقعی انتخابات ریاست جمهوری برای حاکمیت، خروج از بن‌بست است و برای ملت در هر دو حال پیروزی و رستگاری خواهد بود.

## خلاصه کنیم

ما به کسانی که از وضع موجود خرسند بوده و سرنوشت کشور را روشن و امیدوارکننده می‌بینند حرفی نداریم، اما کسانی را که زیر فشارها و فسادها و ناروایی‌ها شکایت و فریاد دارند و بعضاً ما را به ناحق عامل به وجود آمدن این اوضاع می‌شمارند و در هر حال به فکر چاره و آماده اقدام می‌باشند، دعوت به قیام و ابلاغ و اشاعه این پیام می‌نمائیم. قیام نه به منظور براندازی و انتقام بلکه برای استیفای حقوقی که برای آن انقلاب کرده‌اند. یعنی حقوق و ارزش‌هایی که تا کنون به دست نیامده و یا پس از مدتی از دست رفته است. از متولیان و متصدیان نیز که امانتداران حکومت هستند می‌خواهیم که به رضای خدا، نجات کشور و مصلحت خودشان بیندیشند و به حقوق ملت در قانون اساسی گردن نهند. ما با کسی سر جنگ نداریم و این حرکت را قیام به قسط می‌شناسیم که همه پیغمبران راهنمای آن بوده‌اند. درخواست و دعوتمان نیز توصیه به حق و به صبر است که چاره‌ساز خسران‌ها می‌باشد.



## هم‌میهنان عزیز

اجابت شما در این دعوت اسلامی و ملی زمانی میسر است که نخست به لزوم ثمربخش بودن این قیام معتقد شوید و خود را برای انجام وظیفه آماده سازید و در مطالبه حقوق و آزادی‌های قانونی برای انتخابات ریاست جمهوری با دیگران هم‌صدا و همگام شوید. در اینجا یادآوری این نکته لازم است که هم‌صدائی و همگامی قیام‌کنندگان به قسط در راه خدا و خلق رنج راه را آسان می‌سازد و در صورت تشکل و تبلیغات، گروه‌بندی و اجتماعات شما، موثرتر و کم‌خطرتر می‌گردد. نهضت آزادی ایران همچون گذشته اولاً برای تأمین آزادی انتخابات فعالیت خواهد نمود و ثانیاً در صورتیکه آزادی و امنیت انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان تأمین شود همراه با همه قشرهای ملت مشارکت در انتخابات خواهد کرد. و من یتوکل علی‌الله فهو حسبه

نهضت آزادی ایران

تهران آبان‌ماه ۱۳۶۳